

تبیین و بازخوانی اقوال و ادله فقهای اهل سنت در حکم جراحی ترمیم پرده بکارت

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۲/۰۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۳/۰۶

سیده عاطفه ابراهیمی^۱

سهیلا رستمی*^۲

فرزاد پارسا^۳

چکیده

هایمنوپلاستی نوعی عمل جراحی برای بازسازی پرده بکارت غیرموجود یا زایل شده در اثر عوامل مختلف است و هدف از آن بازگرداندن توانایی خونریزی هایمن در اولین نزدیکی (شب زفاف) و ایجاد وضعیتی است که منجر به خونریزی در اولین آمیزش جنسی شود. فقهای معاصر اهل سنت درباره این عمل، سه دیدگاه: حرام مطلق، جواز مطلق و قول به تفصیل را بیان نموده‌اند. در این پژوهش که به روش توصیفی-تحلیلی انجام شده است، پس از استقرا و بررسی دلایل هر سه گروه، با توجه به قابل پذیرش و ملموس تر بودن ادله قائلان به ترمیم، در نظر گرفتن اقتضائات زمان، روند روبه رشد عمل ترمیم در میان جوامع مسلمان و غیرمسلمان، مصالح موجود در انجام عمل ترمیم پرده بکارت، جلوگیری از خشونت و ترتب ظلم و آزارهای اجتماعی و عدم تحقق عدالت در حق دخترانی که به هر سببی پرده بکارتشان آسیب دیده و نیز با توجه به این مسئله که اهمیت جنسیتی پرده بکارت برگرفته از عرف و باورهای اجتماعی می‌باشد و هیچ‌گونه هماهنگی و سنخیتی با باورهای اسلامی و فقهی ندارد، می‌توان گفت که عمل ترمیم بکارت به دلیل جلب منفعت و ایجاد مصلحت و ترسیم فضایی آرام و بدون ترس طرد شدن از خانواده و اجتماع و ترک ازدواج برای ابد، البته به شرط آنکه ترمیم جهت ستر زنا یا تدلیس در نکاح نباشد، راجح است.

کلیدواژه‌ها

پرده بکارت، جراحی، ترمیم، فقه اهل سنت.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

۱. دانش آموخته کارشناسی ارشد فقه شافعی دانشگاه کردستان، سنندج، ایران.

atefebrahimi6973@gmail.com

s.rostami@uok.ac.ir

f.parsa@uok.ac.ir

۲. نویسنده مسئول) دانشیار گروه فقه شافعی دانشگاه کردستان، سنندج، ایران.

۳. دانشیار گروه فقه شافعی دانشگاه کردستان، سنندج، ..ن.

مقدمه

از انواع جراحی‌هایی که امروزه انجام می‌شود و محل بحث و مناقشه بسیاری از علما قرار گرفته، جراحی هایمنوپلاستی یا عمل ترمیم پرده بکارت با استفاده از تکنیک‌های پزشکی و فناوری روز است. هایمنوپلاستی نوعی عمل جراحی برای بازسازی پرده بکارت است و هدف از آن بازگرداندن توانایی خونریزی هایمن در اولین نزدیکی (شب زفاف) و ایجاد وضعیتی است که منجر به خونریزی در اولین آمیزش جنسی شود (بسامی، ۱۳۸۹، ص ۱۳۵؛ رباط‌جزی و همکاران، ۱۳۹۶، ص ۱۰۴؛ نظری توکلی و جوانمرد فرخانی، ۱۳۹۴، ص ۲۰۲؛ گلزار، ۱۳۹۸، ص ۱۵۸؛ شریفی راد و زرگوش‌نسب، ۱۳۹۱).

دختران باکره معمولاً در اولین رابطه زناشویی خود در ازدواج، دچار خونریزی ناشی از پارگی پرده بکارت می‌شوند. همین امر سبب شده است تا این خونریزی در بسیاری از جوامع، نشانه باکرگی و عدم سابقه رابطه جنسی و نشان پاکدامنی محسوب شود؛ اما گاهی از اوقات برخی از دختران ممکن است در اثر بیماری یا عمل جراحی یا انجام حرکات سنگین ورزشی و حتی فقدان مادرزادی پرده بکارت و ...، این نشان باکرگی را نداشته باشند و همین امر سبب طرد ایشان از جامعه و حتی مانعی برای ازدواجشان گردد. سؤال اصلی مقاله حاضر آن است که آیا چنین افرادی جواز انجام عمل ترمیم پرده بکارت خویش را دارند و اینکه انجام این عمل تا چه حد ضروری و مورد نیاز است و تلاش برای بکرنمایی و پاکدامن نشان دادن دختر مرمّم تا چه حد مورد قبول شارع است. پاسخ به سؤالات فوق و پرسش‌هایی نظیر آن از دیدگاه فقهای اهل سنت سبب تدوین این مقاله می‌باشد.

در سال‌های اخیر که عمل هایمنوپلاستی به دلایل فراوانی از جمله افزایش روابط جنسی قبل از ازدواج (رفیعی هنر و بیات، ۱۳۷۹) و در نتیجه، ازاله بکارت به صورت نامشروع، رواج گسترده‌ای پیدا کرده است. این عمل بیشتر برای اهداف غیرمربوط به پزشکی همچون جلوگیری از بروز خشونت علیه زنان به دلیل رفتارهای غیرمجاز و ترس از عواقب ناشی از عدم باکرگی صورت می‌گیرد؛ چرا که باکره نبودن یا حتی عدم خونریزی به دلایل طبیعی (مانند نوع پرده و ... در شب زفاف، در این جوامع با عوارضی مانند شرم، طرد شدن از خانواده و جامعه، طلاق و

حتی مرگ برای حفظ آبروی خانواده همراه است. این مسئله در حالی است که بحث از باکرگی و خونریزی پرده بکارت در شب زفاف، از موضوعاتی است که علت آن وجود عرف و رسوم و باورهای اجتماعی‌ای است که در بسیاری از جوامع از دیرباز حاکم بوده و به فرهنگ، اندیشه و اعتقاداتی برمی‌گردد که بیشترین افراط‌ها و تفریط‌ها را در خود جای داده است و بستری را فراهم آورده که به موجب آن، از یک سو، باکره بودن دختران پیش از ازدواج یک ارزش محسوب گردد و از سوی دیگر، وجود پرده بکارت به‌عنوان نماد آن قرار داده شود و این در حالی است که این قضیه هیچ‌گونه سنخیتی با باورهای اصیل اسلامی و فقهی ندارد و معلول ناآگاهی، کج‌فهمی و درآمیختگی برخی از فرهنگ‌های بومی، منطقه‌ای و بیگانه با متن زلال و گوارای اندیشه، احکام و آموزه‌های دینی است که نتیجه ارزش‌گذاری به این مسئله، قتل دختران بی‌گناه یا اقدام به خودکشی در اثر افترا، تهمت و فشارهای روانی جامعه و ترک ازدواج برای همیشه است؛ اما از آنجا که فقه اسلامی فقهی پویا و کارآمد است، می‌طلبد که همواره پاسخگوی نیازهای جامعه و مسائل نوپیدا باشد؛ زیرا در سایه وجود فقهی پویا و کارآمد و با تکیه بر اصول و مبانی فقهی و کلامی است که در باب هریک از مسائل مستحدث اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و...، می‌توان اظهارنظر کرد و راه‌حلی مبتنی و سازگار با تعالیم اسلامی و دینی ارائه کرد و اکنون که مسئله عمل ترمیم پرده بکارت به‌صورت یک مشکل مبتلا به جامعه درآمده، شایسته است پاسخی درخور درباره حکم شرعی انجام این عمل برای آن ارائه گردد. پس از بررسی‌های به‌عمل‌آمده، مشخص شد که در زمینه عنوان مورد پژوهش مقاله حاضر، تا کنون به‌صورت اختصاصی و در فقه مذاهب اهل سنت و به زبان فارسی، بررسی‌ای صورت نگرفته است؛ هرچند که پژوهش پیرامون این موضوع، خالی از سابقه نیست که در زیر بدان‌ها اشاره می‌شود.

۱- مقاله «بکرنامایی از منظر فقه پزشکی» نوشته سید عباس سادات حسینی (۱۳۸۸) مندرج در فصلنامه فقه پزشکی.

۲- مقاله «مبانی فقهی جراحی بکارت» نوشته علی اصغر شریفی راد و عبدالجبار زرگوش نسب (۱۳۹۱) مندرج در مجله تحقیقات نظام سلامت.

۳- مقاله «بررسی احکام ترمیم بکارت و بررسی تکلیف پزشک معالج» نوشته عبدالجبار زرگوش نسب (۱۳۸۷) مندرج در فصلنامه فقه و مبانی حقوق.

محورهای عمده پژوهش‌های موجود، روش تحقیق و دستاوردهای آنها نشان می‌دهد که مباحث ترمیم پرده بکارت که در این پژوهش‌ها بررسی شده است، اولاً به همه دیدگاه‌ها و آرای فقها پرداخته نشده و ثانیاً دیدگاه‌ها و دلایل اهل سنت نیز به صورت کامل و جامع بیان نشده است و اکثر پژوهش‌هایی که در این حوزه وجود دارد، به بیان آرا و دیدگاه‌های فقهای امامیه پرداخته است. پژوهش پیش‌رو تلاش می‌کند به پشتوانه دیدگاه و آرای فقهای متقدم اهل سنت و بیان جامع دیدگاه عالمان معاصر، به مطالعه تحلیلی حکم شرعی عمل ترمیم پرده بکارت بپردازد و با بازخوانی دقیق‌تری از مبانی فقهی در این خصوص و بررسی شرایط و توجه به اقتضائات زمان، سد ذرایع، استحسان و نیز در نظر گرفتن مصالح و مفاسد این امر، رأی راجح را در این زمینه ارائه نماید.

پژوهش حاضر کیفی و به شیوه توصیفی-تحلیلی و بر پایه تحلیل محتواست. محتوای پژوهش با بررسی متون اصیل فقهی و حقوقی فقها و علمای متقدم و متأخر اهل سنت در خصوص عمل ترمیم پرده بکارت تدوین شده است که پس از دسته‌بندی مطالب و جمع‌بندی آرا و دیدگاه‌های متعدد، به ارزیابی، نقد، بررسی و توصیف دیدگاه‌های مختلف در این زمینه بر اساس نصوص فقهی و حقوقی و دلایل عقلی اقدام و در نهایت، دیدگاه راجح تبیین شده است.

روش گردآوری اطلاعات در این پژوهش کتابخانه‌ای و اسنادی و با به‌کارگیری ابزار فیش است. پس از مراجعه به کتابخانه و جستجو و تحقیق در منابع فقهی و پزشکی معتبر و پژوهش در زمینه پرسمان مورد بحث مقاله، یافته‌های مورد نظر در برگه‌های فیش گردآوری و پس از دسته‌بندی مطالب، به صورت نوشتار حاضر سامان داده شده است. بر این اساس، عناوین اصلی و کلیات بحث توصیف شده و درون مایه آنها در یک فرایند کیفی مورد تحلیل و ارزیابی قرار گرفته است. استقرای آرای فقهی بیانگر آن است که در میان علمای معاصر اهل سنت، به صورت کلی، سه دیدگاه حرمت مطلق، جواز مطلق و قول به تفصیل درباره عمل ترمیم پرده بکارت

بیان شده است. در پژوهش حاضر، برای بررسی و تبیین دقیق تر موضوع، ابتدا به بیان مفهوم شناسی واژه بکارت و ترمیم، سپس دیدگاه علمای اهل سنت درباره عمل ترمیم پرده بکارت و در پایان، رأی راجح در این باره، پرداخته خواهد شد.

مفهوم شناسی مصطلحات

- مفهوم بکارت و باکرگی

بکارت واژه کلیدی و محوری در این پژوهش است که تبیین مفهوم آن جهت درک مسئله پژوهش و ترتب احکام بر آن بسیار ضروری است. لذا در اینجا معنای لغوی و اصطلاحی آن بیان خواهد شد.

الف. بکارت در لغت و معیارهای شناخت آن از دیدگاه لغت شناسان

واژه «بکارت» از ریشه «بکر» در زبان عرب عبارت است از: ۱. آغاز و ابتدای یک چیز؛ ۲. قرار داشتن در آغاز یک فرآیند و جریان یک کار یا یک امر که هنوز رخ نداده یا واقع نشده است^۱ (ابن فارس، ۱۴۳۸ق، ص ۱۱۸؛ ابن منظور، بی تا، ج ۴، ص ۷۶؛ راغب اصفهانی، بی تا، ج ۱، ص ۵۷؛ معلوف، ۱۳۸۶، ص ۹۶ و ۹۷؛ تفتازانی، ۱۴۱۱ق، ج ۱، ص ۱۵۸)؛ ۳. صادر شدن یک شیء از اصل خود به گونه ای که آن شیء نخستین چیزی از جنس خود باشد که صادر می شود، مانند صادر شدن فرزند از پدر و مادر برای اولین بار (حسن حسن جبل، ۲۰۱۰م، ج ۱، ص ۱۶۱ و ۱۶۲). البته این سه مفهوم متفاوت نیستند و دو مورد آخر در حقیقت همان معنای اول را افاده می کنند. لغت شناسان در کنار بیان معنای لغوی واژه «بکر» با استفاده از مفهوم واژه «ثیب» که ضد آن است، معیارهایی چون ازدواج، دخول، دخول و ازدوج هر دو با هم، وجود یا عدم وجود پرده بکارت یا عذرة و ازاله بکارت با دخول زوج را جهت تشخیص مفهوم بکر و بکارت از «ثیب» به کار برده اند (فیومی، بی تا، ج ۱، ص ۳۵۶ و ج ۲، ص ۴۵؛ مطرزی، ۱۹۷۹م، ج ۱، ص ۲۶؛ ابن درستویه، ۱۴۱۹ق، ج ۱، ص ۳۱۴)؛ ۲.

۱. بر اساس این معنا، «البکر» برای خانمی به کار می رود که هرگز یا هنوز رابطه جنسی برقرار نکرده یا پرده بکارت او از بین نرفته باشد و در مقابل واژه «ثیب» قرار می گیرد (راغب اصفهانی، بی تا، ج ۱، ص ۵۸؛ ابن اثیر، ۱۳۹۹، ج ۱، ص ۲۳۱).
 ۲. جوهری، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۹۵ و ج ۲، ص ۷۳۸؛ ابن سیده، ۲۰۰۰م، ج ۱۰، ص ۲۰۳؛ زبیدی، بی تا، ج ۲، ص ۱۱۵ و ج ۱۲، ص ۵۵۱ و ۵۵۲؛ ابن فارس، ۱۴۳۸ق، ص ۱۱۸؛ فراهیدی، بی تا، ج ۵، ص ۳۶۴ و ج ۲، ص ۹۵ و ج ۸، ص ۲۴۹؛ ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۱، ص ۲۴۸؛ راغب اصفهانی، بی تا، ج ۱، ص ۳۲۸؛ ابن اثیر، ۱۳۹۹، ج ۳، ص ۱۹۶؛ ثعالبی، بی تا، ص ۱۸۶

ب. بکارت و باکرگی در اصطلاح پزشکی

پرده بکارت در علم پزشکی یک چین غشایی نامنظم با ضخامت متغیر است که مدخل واژن را به طور نسبی می پوشاند و از کف پیشابراه تا حفره ناوی شکل امتداد می یابد و معمولاً در ۲/۵ الی ۴ سانتی متری دهانه مهبل واقع شده و ممکن است از نوع کامل (سوراخ نشده)، ناکامل یا غربالی شکل بوده یا اصلاً وجود نداشته باشد (برکوویتز و دونایف، ۱۳۸۵، ص ۹۳؛ گودرزی و کیانی، ۱۳۸۷، ص ۲۸۳) که معمولاً با ورود آلت تناسلی یا جسم خارجی آسیب می بیند. پرده بکارت بعد از سالها طبقه بندی به عنوان یک غشای سروزی آناتومیک^۱ نظیر پریکاردیوم^۲ و پریتونوم^۳ برای اولین بار توسط آندریاس واسیلیوس^۴ پدر آناتومی مدرن به عنوان بخشی از ساختار آناتومیک دستگاه تناسلی زنانه معرفی شده است (رباط جزئی و همکاران، ۱۳۹۶، ص ۷). درباره مفهوم باکرگی از منظر علمی و پزشکی دو احتمال بیان شده است که در زیر بیان می شوند. الف. عده ای از پزشکان به دختری باکره می گویند که پرده بکارتش سالم باشد. بنابراین حتی اگر پرده وی به هر علتی، حتی علل طبیعی و بدون دخول آلت، مانند وارد شدن یک شیء در واژن به صورت تصادفی پاره شود، آن شخص دیگر باکره نخواهد بود. به عکس، اگر دختری مورد دخول جنسی مکرر قرار گرفته، اما هایمن او آسیب ندیده باشد، چنین شخصی باکره است (میرزاده اهری، ۱۳۹۵، ص ۸۱). بنابراین از نظر این دیدگاه، ملاک و معیار باکرگی در پزشکی، «سلامت پرده بکارت» است.

ب. در مقابل، دسته ای دیگر معتقدند که «باکره فردی است که تا کنون دخول جنسی نداشته است». بر این اساس، باکرگی عبارت است از عدم ورود آلت تناسلی مردانه به واژن. مطابق این دیدگاه در بسیاری از موارد، از جمله مواردی که پرده بکارت از نوع قابل اتساع است، باکره بودن با سالم بودن پرده بکارت ارتباطی ندارد و حالت طبیعی در دهانه مهبل و دهلیز و

1. Anatomical serous membrane
2. Pericardium
3. peritoneum
4. Andreas Vesalius

مهبل باریک (تنگ با دیواره‌های چین‌دار) است که حاکی از علایم دوشیزگی می‌باشد (همان، ص ۸۲). مع‌الوصف، این دو احتمال مورد نقد بنیاد پزشکی پالوآلتو^۱ آمریکا قرار گرفته است و گفته شده که باکرگی تعریف مشخصی ندارد.

ج. ترمیم پرده بکارت در قوانین ایران

هرچند به دلیل عدم ثبت رسمی، سابقه عمل جراحی ترمیم پرده بکارت در ایران مبنای تاریخی مشخصی ندارد، در سال‌های اخیر، جراحی هایمنوپلاستی رشد قابل توجهی داشته است (همان، ص ۱۵۶-۱۵۹) و از آنجا که مسئله ترمیم پرده بکارت تأثیری مستقیم در مهم‌ترین رابطه حقوقی میان انسان‌ها از منظر اسلام، یعنی ازدواج دارد، توجه به آن در قوانین حقوقی لازم و ضروری است. عمل ترمیم پرده بکارت از نظر مواد قانونی مطرح در قانون مدنی جمهوری اسلامی ایران، در عناوین سه‌گانه موجبات فسخ نکاح، یعنی عیب، تدلیس و تخلف از شرط صفت، قابل بحث و بررسی است که در ادامه، به صورت مختصر خواهد آمد.

الف. عیب: ماده ۱۱۲۱ که مقرر می‌دارد: «جنون هریک از زوجین به شرط استقرار، اعم از اینکه مستمر یا ادواری باشد، برای طرف مقابل موجب حق فسخ است» و نیز ماده ۱۱۲۳ که مقرر می‌دارد: «عیوب ذیل در زن موجب حق فسخ برای مرد خواهد بود: قرن، جذام، برص، إفضاء، زمین‌گیری و نایبایی از هر دو چشم»، مشخص می‌نماید که نبود یا ناسالمی پرده بکارت یا ترمیمی بودن آن در زیرمجموعه عیوب موجب فسخ نکاح قرار نمی‌گیرد.

ب. تدلیس: فریب و تدلیس در نکاح از مباحث قابل توجه در حوزه حقوق خانواده می‌باشد؛ اما با وجود این، در قانون مدنی، ماده‌ای با عنوان «تدلیس در نکاح» ذکر نشده و قانون‌گذار در بند ۸ ماده ۳۹۶ ق.م. و نیز مواد ۴۳۸ الی ۴۴۰ ق.م.، به طرح خیار تدلیس و قواعد عمومی و شرایط آن پرداخته است که شمول آن تدلیس در نکاح را نیز در بر می‌گیرد. شرایط مذکور برای تدلیس عبارت‌اند از: ۱. تدلیس موجب فریب طرف عقد شود؛ ۲. تدلیس‌کننده طرف عقد باشد؛ ۳. کار فریبنده نامتعارف باشد؛ ۴. عقد به نحو اشتراط یا ابتناء بر وصف مدنظر واقع شده

1. Palo Alto Medical Foundation

باشد. بر اساس آنچه در مواد مذکور بیان شده است، هرگاه تمامی ارکان و شرایط پیش گفته دربارهٔ تدلیس محقق شود، آن عمل تدلیس قانونی خواهد بود؛ اما سؤال اینجاست که آیا عمل جراحی ترمیم واجد تمامی شرایط مذکور است یا نه. بررسی و دقت در شرایط فوق حاکی از آن است که هرچند از دیدگاه برخی از فقها و حقوق دانان، عمل جراحی ترمیم می‌تواند از مصادیق تدلیس مذکور در قانون باشد، انجام عمل مزبور در تمامی حالات، موجب تحقق تدلیس مدنی به شمار نمی‌آید.

ج. تخلف از شرط صفت: به این معنا که وجود صفتی در دختر شرط شده باشد، اما بعد از عقد، معلوم شود که وی فاقد صفت مذکور بوده است. ماده ۱۱۲۸ ق.م. مقرر می‌دارد: «هرگاه در یکی از طرفین، صفت خاصی شرط شده و بعد از عقد معلوم شود که طرف مذکور فاقد وصف مقصود بوده، برای طرف مقابل حق فسخ خواهد بود؛ خواه وصف مذکور در عقد تصریح شده یا عقد متبایناً بر آن واقع شده باشد». بررسی این ماده قانونی حاکی از آن است که قانون‌گذار در مورد تخلف از شرط صفت فقط به حکمی کلی اکتفا نموده و مصادیق آن را که یکی از آنها به‌عنوان مثال، بحث از پرده بکارت باشد، بیان نکرده است.

بنابراین بر اساس آنچه گذشت، هرچند در میان حقوق دانان، «باکره نبودن» عیب محسوب نمی‌شود، قابلیت انطباق با تدلیس یا تخلف از شرط صفت را دارا می‌باشد و با وجود خلأ قانونی در بحث ترمیم پردهٔ بکارت، حقوق دانان نیز همچون فقها در این زمینه وحدت رویه ندارند و در حقوق موضوعهٔ ایران دربارهٔ آن، نظر قاطع یا ماده‌ای قانونی بیان نشده است.

د. بکارت و باکرگی از منظر فقها

فقها دربارهٔ واژهٔ بکارت مفهوم اصطلاحی واحدی را بیان ننموده‌اند؛ اما پس از بررسی متون فقهی، نکات زیر جهت تشخیص مفهوم فقهی بکارت و باکرگی قابل طرح است.

۱) گروهی از فقها به‌جای بیان معنای بکارت، به تعریف و تبیین واژهٔ «ثیب» پرداخته، معتقدند که ثیوبت و زوال حکم بکارت صرفاً مبتنی بر از بین رفتن پردهٔ بکارت با نزدیکی و

دخول شوهر است؛ حتی اگر این دخول در نتیجه وطی به شبهه یا نکاح فاسد باشد (ابن نجیم، بی تا، ج ۳، ص ۱۲۴؛ حصکفی، ۱۳۸۶، ج ۳، ص ۶۳؛ عدوی، ۱۴۱۲ق، ج ۵، ص ۷۹-۸۰).^۱ بر اساس این تعریف، زانیه باکره تلقی می شود؛ زیرا زوج از وی ازاله بکارت نکرده است.

۲) برخی از فقها صرفاً مقاربت مهبل را ملاک باکرگی دانسته، باکره را کسی می دانند که مقاربت جنسی مهبل حرام یا حلال انجام نداده باشد (ابن قدامه، بی تا، ج ۷، ص ۴۶ و ۳۸۸؛ بهوتی، ۱۹۹۶م، ج ۲، ص ۶۳۶؛ شربینی، بی تا، ج ۴، ص ۲۴۷). بر اساس این رویکرد، صرف انجام عقد ازدواج و وطی در دبر مزیل بکارت نخواهند بود.

۳) گروهی از فقها معیار بکارت را عقد ازدواج دانسته، معتقدند که صرف عقد ازدواج سبب و علت زوال عنوان بکر و در نتیجه، عدم جریان احکام بکارت می گردد؛ هرچند که نزدیکی صورت نگرفته باشد و پرده بکارت نیز باقی باشد. همچنین از نظر این گروه، خانمی که ازدواج کرده است، اما شوهرش قبل از دخول وفات یافته یا او را طلاق داده، باکره تلقی نمی شود (نقراوی، بی تا، ج ۵، ص ۵۲).

۴) گروهی از فقها زوال بکارت در اثر هر نوع دخولی را معیار رفع باکرگی می دانند. بر مبنای این قول، وطی شوهر، وطی به شبهه، وطی در نکاح فاسد، زنا و وطی غیرآدمی صفت باکرگی از زن را زائل می کند (شربینی، بی تا، ج ۴، ص ۲۴۷؛ رملی، ۱۴۰۴ق، ج ۶، ص ۲۲۹-۲۳۰؛ نووی، بی تا، ج ۱۶، ص ۱۷۰).^۲

۵) برخی از فقها معیار ثبوت را زوال پرده بکارت در اثر هر عاملی چون پریدن، حوادث، وطی، زنا، بیماری، تعنيس و طولانی شدن تجرد، وقوع جنایت، عمل جراحی و ... بیان

۱. نک: فاسی، ۱۴۲۰ق، ج ۱، ص ۲۷۲؛ ابن انس مالک، بی تا، ج ۲، ص ۱۰۱؛ شافعی، ۱۳۹۳، ج ۶، ص ۱۵۴؛ ماوردی، ۱۴۱۴ق، ج ۱۳،

ص ۱۹۷؛ دسوقی، بی تا، ج ۴، ص ۳۲۱؛ رملی، ۱۴۰۴ق، ج ۶، ص ۲۳۰؛ صاوی، بی تا، ج ۲، ص ۳۵۴؛ سرخسی، ۱۴۲۱ق، ج ۵، ص ۱۰.

۲. نک: صاوی، بی تا، ج ۲، ص ۳۵۴؛ دسوقی، بی تا، ج ۲، ص ۲۸۱؛ ابن قدامه، ۱۴۰۵ق، ج ۹، ص ۷۷؛ کاسانی، ۱۹۸۲م، ج ۷، ص ۳۴۸؛

حصکفی، ۱۳۸۶، ج ۳، ص ۶۳؛ شربینی، ۱۴۱۵ق، ج ۲، ص ۴۱۶

می‌کنند (نفاوی، بی تا، ج ۵، ص ۵۲؛ خرسی، بی تا، ج ۲۳، ص ۱۹۶؛ نووی، ۱۴۰۵ق، ج ۷، ص ۵۵؛ حصکفی، ۱۳۸۶، ج ۳، ص ۶۳).

بر اساس تعاریف فوق، می‌توان در جمع‌بندی مفهوم باکره گفت که باکره سه نوع است:

۱. باکره حقیقی: یعنی دختری که هیچ‌گونه رابطه جنسی اعم از ایلاج، تفخیز و ... نداشته باشد. بنابراین معیار باکرگی حقیقی علاوه بر عدم دخول در قُبُل و دبر، عدم روابط جنسی دیگر مانند تفخیز و روابط جنسی غیرمعمول است.

۲. باکره حکمی: دختری است که از راه قُبُل - اعم از مشروع یا نامشروع - مورد آمیزش واقع نشده باشد؛ اما سایر روابط از جمله ایلاج، تفخیز یا وطئ در دبر و ... را داشته است. چنین شخصی حقیقتاً باکره نخواهد بود؛ بلکه زیرمجموعه باکره حکمی قرار می‌گیرد.

۳. باکره جعلی (مدخوله): دختری که در ازدواج شرعی و به وسیله شوهرش مورد آمیزش از راه قبل واقع نشده باشد، باکره جعلی یا قراردادی است؛ یعنی حتی اگر توسط غیرشوهر از راه قبل وطی گردد، هرچند نه حقیقتاً باکره است و نه حکماً، اما تنها از این جهت که اذن ولی برای ازدواج چنین کسی ساقط نمی‌شود، جعلاً باکره فرض می‌شود (میرزاده اهری، ۱۳۹۵، ص ۹۲).

- مفهوم ترمیم پرده

لفظ ترمیم به اصلاح و روبه‌راه کردن چیزی که از بین رفته یا دچار فساد شده است، اطلاق می‌گردد. به سخن بهتر، بازسازی و دوباره نشان دادن و اعاده وضع سابق با استفاده از یک سری عملیات را «ترمیم» گفته‌اند. بنابراین «ترمیم بکارت» یا «رتق غشاء بکاره» یا «عملیه الترقیع» در اصطلاح فقهی، یعنی اعاده و بازنشانی پرده بکارتی که به هر علت، دچار زوال گردیده است (خالد منصور، ۱۴۱۹ق، ص ۲۱۱؛ یاسین، ۱۴۰۸ق، ص ۸۳؛ نجار، ۱۴۳۰، ص ۱۰؛ ممدوح سعد، ۱۴۳۰ق، ص ۷۴). از منظر علم پزشکی، ترمیم پرده بکارت نوعی عمل جراحی برای بازسازی پرده بکارت است. این عمل به‌طور کلی در پزشکی زنان جایگاهی ندارد؛ اما برخی مراکز جراحی پلاستیک به‌ویژه در اروپای غربی، امریکا و ژاپن، آن را به‌عنوان یک عمل سرپایی انجام می‌دهند (میرزاده اهری، ۱۳۹۵، ص ۱۲۸).

۱. حکم شرعی جراحی ترمیم پرده بکارت

بحث بکارت و ترمیم آن یکی از ملموس‌ترین مسائل مطرح در حوزه زنان است؛ اما با وجود اهمیت این موضوع و از آنجا که پدیده‌ای نوظهور و مستحدث است، در متون فقهی و فتاوی فقهای متقدم، بحثی درباره حکم شرعی آن به میان نیامده است؛ بلکه علمای معاصر آن را به بحث و چالش کشیده‌اند. در ادامه، نظر ایشان به صورت مستدل و با تفصیل خواهد آمد.

۱.۱. دیدگاه قائلان به تحریم

الف. دیدگاه نخست قائل به حرمت ترمیم پرده بکارت است. از جمله قائلان این قول عزالدین خطیب تمیمی، محمد مختار شنقیطی، محمد خالد منصور، حسام‌الدین ابن موسی عفانه، نصر فرید واصل، امیره محمد مغازی محمود، نعیم یاسین و احمد ممدوح سعد (رئیس اداره بحوث شرعی دارالافتای مصر) می‌باشند که جراحی ترمیم پرده بکارت را تحت هر عنوان و توجیهی، مطلقاً ممنوع و حرام می‌دانند (شنقیطی، ۱۴۱۵ق، ص ۴۳۲؛ عفانه، بی‌تا، ج ۵، ص ۱۵۹؛ ابوجزر، ۱۴۲۹ق، ص ۵۶؛ خالد منصور، ۱۴۱۹ق، ص ۲۲۸؛ محمد مغازی محمود، بی‌تا، ج ۱، ص ۱۰۴۱؛ یاسین، ۱۴۰۸ق، ص ۱۱۱؛ ممدوح سعد، ۱۴۳۰ق، ص ۷۵). این گروه در تأیید رأی خود به دلایل زیر استناد دارند.

۱) استناد به آیه ۳ سوره نور که می‌فرماید: «مرد زناکار حق ندارد جز با زن زناکار یا با زن مشرک ازدواج کند، همان‌گونه هم زن زناکار حق ندارد جز با مرد زناپیشه یا با مرد مشرک ازدواج کند؛ چرا که چنین (ازدواجی) بر مؤمنان حرام شده است»؛^۲ بر اساس این آیه، ازدواج مرد مؤمن با زن زناکار و ازدواج مرد زناکار با زن مؤمن جایز نیست و باید بین آنها جدایی حاصل شود (قرطبی، ۱۴۲۳ق، ج ۱۲، ص ۱۶۹؛ طبری، ۱۴۲۰ق، ج ۱۹، ص ۹۶؛ فخر رازی، بی‌تا، ج ۱، ص ۳۲۷۹). قائلان به تحریم معتقدند که تجویز این جراحی موجب تعطیلی مفاد آیه فوق می‌شود؛ زیرا احتمال اینکه فردی زانی نیز اقدام به عمل ترمیم پرده بکارت و اخفای جرم خود

1. www.jamila-qatar.com

۲. الزَّانِي لَا يَنْكِحُ إِلَّا زَانِيَةً أَوْ مُشْرِكَةً وَالزَّانِيَةُ لَا يَنْكِحُهَا إِلَّا زَانٍ أَوْ مُشْرِكٌ وَحُرْمٌ ذَلِكَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ.

نماید، زیاد است و در نتیجه، شریک زندگی وی، از حق شرعی خود (که ازدواج با شخصی پاکدامن است) محروم می‌شود (ابوجزر، ۱۴۲۹ق، ص ۵۸).

۲) استناد به حدیث پیامبر (ص) که می‌فرماید: «*من غشنا فلیس منا*» (مسلم، ۱۴۴۰ق، ج ۱، ص ۲۶۵-۲۶۷)؛ توجیه و توضیح ایشان چنین است که جراحی ترمیم پرده بکارت مصداق غش و تدلیس و احتمالاً فریب شوهر آینده فرد خواهان عمل ترمیم است؛ زیرا خواستگار وی به ظن باکره بودن او و بی‌اطلاع از عمل جراحی مذکور، به خواستگاریش می‌رود و این در حالی است که پیامبر (ص) ما را از غش و فریب بر حذر داشته است. علاوه بر این، اخفای آسیب به پرده بکارت از دیدگاه فقها مصداق تدلیس در عقد ازدواج است و فقها بر این باورند که اگر شوهر شرط بکارت کند و بعداً ثابت شود که زوجه پیش از عقد باکره نبوده است، زوج می‌تواند نکاح را به استناد غش و فریب و خوف از اختلاط انساب، فسخ کند (دسوقی، بی‌تا، ج ۸، ص ۱۶۱؛ خرسی، ۱۴۰۹ق، ج ۳، ص ۲۳۹؛ دردیر، بی‌تا، ج ۲، ص ۲۸۵؛ ابن قدامه، ۱۴۰۵ق، ج ۷، ص ۴۷؛ شنقیطی، ۱۴۱۵ق، ص ۴۳۲؛ خالد منصور، ۱۴۱۹ق، ص ۲۱۴؛ عفانه، بی‌تا، ج ۵، ص ۱۶۰؛ یاسین، ۱۴۰۸ق، ص ۹۱).

۳) استناد به قاعده «الضرر لا یزال بالضرر» (ابن رجب حنبلی، ۱۳۹۱، ج ۱، ص ۷۳؛ زرکشی، ۱۴۰۵ق، ج ۲، ص ۳۲۱؛ سیوطی، ۱۴۰۳ق، ج ۱، ص ۸۶)؛ این گروه معتقدند انجام این عمل مصداق ضرر و ضرار است؛ چرا که بر اساس این قاعده، اولاً هیچ‌کس نباید به‌منظور دفع ضرر از خود به دیگری ضرر بزند و ثانیاً بر انسان واجب نیست که به‌منظور دفع ضرر از دیگری به خود زیان برساند و بنابراین ضرر با ضرر رفع نمی‌شود و در نتیجه، برای هیچ مادری یا دختری جایز نیست که برای دفع ضرر و زیان از خویش و دور کردن ضرر و تهمت، واقعیت را کتمان کند و موجب اضرار به همسر آینده آن دختر شود (شنقیطی، ۱۴۱۵ق، ص ۴۳۰؛ خالد منصور، ۱۴۱۹ق، ص ۲۱۴؛ عفانه، بی‌تا، ج ۵، ص ۱۶۰؛ ابوجزر، ۱۴۲۹ق، ص ۶۳).

۴) بر اساس دو قاعده فقهی «*اذا تعارضت مفسدتان روعی اعظمهما ضرراً*» و «*اذا تعارضت مفسدتان روعی اعظمهما ضرراً*» و

قاعدة «درء المفسد اولی من جلب المصلح» (ابن نجیم، ۱۴۰۰ق، ج ۱، ص ۹۰؛ سیوطی، ۱۴۰۳ق، ج ۱، ص ۸۷؛ ابوالحارث الغزی، ۱۴۲۴ق، ج ۲، ص ۳۵۹)، در صورت اجتماع مصلح و مفسد در امری و امکان ترجیح مصلح بر مفسد، مجتهد باید مصلح را بر مفسد ترجیح داده، موضوع را جایز بداند؛ اما اگر درء مفسد و ترجیح مصلح امکان‌پذیر نبود و مفسد مهم‌تر و بارزتر از مصلح باشد، چاره‌ای جز کنار گذاشتن و چشم‌پوشی از مصلح نداریم. این گروه بر اساس قواعد مذکور و با در نظر گرفتن مصلح و مفسد موجود در جراحی ترمیمی بکارت و رجحان مفسد این جراحی، معتقدند عدم جواز و تحریم جراحی ترمیم پرده بکارت راجح است (شنقیطی، ۱۴۱۵ق، ص ۴۲۹؛ خالد منصور، ۱۴۱۹ق، ص ۲۱۴؛ عفانه، بی‌تا، ج ۵، ص ۱۶۰؛ ابوجزر، ۱۴۲۹ق، ص ۶۳).

۵) این گروه معتقدند از نظر عقلی، جراحی مذکور می‌تواند موجب اختلاط در نسب باشد؛ زیرا ممکن است یکی از اقدام‌کنندگان به این عمل شخص زانیه‌ای باشد که بعد از حاملگی ناشی از زنا اقدام به ترمیم پرده نموده باشد و سپس با وجود حمل، مجدداً ازدواج کرده و در نتیجه، نسب ولدالزنا عامدانه به فردی غافل از واقعیت منتسب گردد (شنقیطی، ۱۴۱۵ق، ص ۴۲۹-۴۳۰؛ خالد منصور، ۱۴۱۹ق، ص ۲۱۳؛ عفانه، بی‌تا، ج ۵، ص ۱۶۰؛ محمد خالد، ۱۴۱۹ق، ص ۲۱۴، خطیب التیمی، ۱۴۰۷ق، ص ۵۷۱-۵۷۳).

۶) همچنین به حکم عقل، عمل جراحی ترمیم بکارت موجب اشاعه فحشا و رواج بی‌بندوباری، هتک حرمت‌ها، تسهیل زمینه فحشا و ارتکاب به زنا برای افرادی می‌گردد که التزام به دین ندارند؛ زیرا این افراد با اطمینان به اینکه در صورت وقوع زنا و آسیب به پرده بکارت، می‌توانند نقص موجود و نشانه گناه را ترمیم و پنهان کرده، خود را همچنان باکره بنمایانند، با خاطری آسوده مرتکب زنا می‌شوند و به انتشار منکرات کمک می‌نمایند. بنابراین از باب سدذریعه، حکم به تحریم این جراحی قابل توجیه است (شنقیطی، ۱۴۱۵ق، ص ۴۲۹؛ خالد منصور، ۱۴۱۹ق، ص ۲۱۳؛ عفانه، بی‌تا، ج ۵، ص ۱۶۰؛ یاسین، ۱۴۰۸ق، ص ۹۲؛ شنقیطی، ۱۴۱۵ق، ص ۴۳۰؛ محمد خالد، ۱۴۱۹ق، ص ۲۱۴).

۷) این گروه همچنین معتقدند گام اول برای ترمیم پرده بکارت، کشف، رؤیت و لمس عورت است و این در حالی است که فقهای مذاهب به اتفاق، کشف عورت را حتی در مقابل همجنس و بدون ضرورت برای پزشک زن نیز حرام می‌دانند (۲۶۸/۱۰؛ ابن قدامه، ۱۴۰۵ق، ج ۱، ص ۲۶۳؛ نووی، بی تا، ج ۱، ص ۲۹۷؛ ابن عبدالسلام، بی تا، ج ۱، ص ۹۸ و ج ۲، ص ۱۴۱). بنابراین معتقدند به علت استلزام مفسده مذکور از جراحی ترمیم، این فعل حرام است (خالد منصور، ۱۴۱۹ق، ص ۲۱۵؛ عفانه، بی تا، ج ۵، ص ۱۶۱؛ محمد مغازی محمود، بی تا، ج ۱، ص ۱۰۴۲؛ یاسین، ۱۴۰۸ق، ص ۹۲؛ ابوجزر، ۱۴۲۹ق، ص ۶۲؛ محمد شنیطی، ۱۴۱۵ق، ص ۴۳۴؛ محمد خالد، ۱۴۱۹ق، ص ۲۲۵ و ۲۲۶).^۱

۸) عمل ترمیم از یک جهت موجب اطلاع پزشک از گناه دختر مرّم و در نتیجه، عدم ستر گناه و افشای آن می‌گردد و از جهت دیگر، اقدام پزشک معالج و جراح، همکاری و معاونت در گناه و معصیت و تلاش جهت قلب واقعتی تلقی خواهد شد (شنیطی، ۱۴۱۵ق، ص ۴۲۹؛ خالد منصور، ۱۴۱۹ق، ص ۲۱۳؛ عفانه، بی تا، ج ۵، ص ۱۶۰).

۹) تجویز جراحی ترمیم سبب فتح باب دروغگویی و کتمان و قلب واقعتی در میان دختران و خانواده‌های ایشان می‌شود و در نتیجه هر دختری با هر دلیلی، خواهد توانست به سادگی عدم بکارت خود و سبب ازاله آن را کتمان نماید (همان، ص ۴۳۰؛ همان، ص ۲۱۴؛ همان، ص ۱۶۰). به علاوه این کار راه را برای سقط جنین‌های متولد از زنا آسان خواهد نمود (همان‌جا). همچنین قائلان به این قول می‌گویند که هرچند درست است که این جراحی می‌تواند راهی آسان و سهل الوصول برای حفظ آبرو و باکره نمایاندن دخترانی باشد که بکارت خود را بدون معصیت و در اثر بیماری و ... از دست داده‌اند، باید گفت که برای اثبات پاکدامنی، راه‌های مشروعی چون شهادت پزشک یا حاضران در محل وقوع حادثه وجود دارد و می‌توان از این طُرق، پاکدامنی دختر را اثبات و افترا و تهمت را از وی دفع نمود و در نتیجه، عمل ترمیم

1. <https://islamqa.info/ar/answers/844/> محمد صالح المنجد

روش مناسبی برای حفظ آبرو نیست و جنبه فریب آن بیشتر است (خالد منصور، ۱۴۱۹ق، ص ۲۱۵). آرا و دیدگاه‌های مذکور در ادامه مقاله مورد نقد و بررسی قرار خواهد گرفت.

۱.۲. دیدگاه قائلان به جواز

دیدگاه دوم به جواز مطلق ترمیم پرده بکارت نظر دارد؛ به گونه‌ای که حتی آن را برای مشتهرین به زنا نیز جایز می‌داند (نجار، ۱۴۳۰ق، ص ۳۴). قائلان به این قول به دلایل زیر استناد می‌نمایند.

۱) خداوند متعال در آیه «بی‌گمان کسانی که دوست می‌دارند گناهان بزرگی (همچون زنا) در میان مؤمنان پخش گردد، ایشان در دنیا و آخرت، شکنجه و عذاب دردناکی دارند. خداوند می‌داند (عواقب شوم و آثار مرگ‌بار اشاعه فحشاء را) و شما نمی‌دانید (ابعاد مختلف پخش گناهان و پلشتی‌ها را)» (نور، ۱۹)،^۱ کسانی را که در جامعه اسلامی اشاعه فحشا نموده، سبب بی‌آبرویی انسان مسلمانی می‌شوند، تهدید کرده است. این گروه معتقدند از آنجا که احتمال علم به عدم بکارت در زمان ازدواج و فاش شدن این راز برای افراد طمعکار و در نتیجه، ایجاد فتنه و مفسده و اتهام و ارتکاب به اعمال منافی عفت و اشاعه فحشا وجود دارد، جواز ترمیم اولاً سبب کاهش مفسده می‌گردد و ثانیاً موجب جلوگیری از شکسته شدن حرمت گناه و بی‌پروایی وی برای انجام مجدد عمل ترمیم خواهد بود (نجار، ۱۴۳۰ق، ص ۲۳).

۲) همچنین این گروه معتقدند از صحابه آثار متعددی دال بر پوشاندن و ستر گناه مرتکبین به زنا روایت شده است؛ از جمله:

الف. شعبی می‌گوید: «مردی نزد عمر بن خطاب آمد و گفت: ای امیرالمومنین، در دوران جاهلیت دخترم را در چاهی زنده به گور کردم، سپس او را از چاه بیرون آوردم و نجات دادم. بعد از آن او همراه ما مسلمان شد؛ اما مرتکب حدی از حدود خداوند - زنا - گردید. ناگهان او را دیدم که چاقویی به دست گرفته و به قصد خودکشی خودش را زخمی کرده است و می‌خواست گردن خودش را ببرد. او را نجات دادم، معالجه‌اش نمودم. پس از آن، او توبه کرد

۱. إِنَّ الَّذِينَ يُحِبُّونَ أَنْ تَشِيعَ الْفَاحِشَةُ فِي الَّذِينَ آمَنُوا لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ.

و اصلاح شد. حالا شخصی به خواستگاریش آمده است. آیا عملی (زنایی) را که مرتکب شده به خواستگارش بگویم؟ عمر گفت: اگر راز او را فاش کنی، چنان تو را مجازات می‌کنم که آوازه تو به گوش مردم سایر شهرها نیز برسد. برو و او را همانند سایر دختران پاکدامن شوهر بده» (صنعانی، ۱۴۰۳، ج ۶، ص ۲۴۶).^۱ بر اساس این روایت، پوشاندن گناه زنا واجب است؛ زیرا عمر بن خطاب به ولی آن دختر گفته است که در صورت افشای گناه دخترش، او را به شدت مجازات خواهد کرد (نجار، ۱۴۳۰، ص ۲۶؛ ابوجزر، ۱۴۲۹، ص ۶۹).

ب. از طارق بن شهاب روایت شده که از مردی دخترش را خواستگاری کردند؛ اما دختر وی قبلاً مرتکب زنا شده بود. آن مرد نزد عمر بن خطاب رفت و ماجرا را برایش تعریف نمود. عمر از او پرسید: [بعد از آن ماجرا] نظرت در مورد او چیست (آیا وی مرتکب کار بد و زشتی شده است)؟ آن مرد گفت: جز خیر و خوبی چیزی از او ندیده‌ام. [سپس بعد از این سؤال و جواب] عمر به او گفت: او را شوهر بده و رازش را برای کسی فاش نکن» (صنعانی، ۱۴۰۳، ج ۶، ص ۲۴۶).^۲ قائلان به جواز معتقدند که اولاً این روایت دال بر وجوب ستر گناه افرادی است که در گذشته مرتکب زنا شده‌اند. ثانیاً در این روایت، عمل ستر به صورت عام ذکر گردیده است و بنابراین هر وسیله‌ای را که منجر به ستر و پوشاندن گناه شود، از جمله عمل جراحی ترمیم، در بر می‌گیرد (نجار، ۱۴۳۰، ص ۲۷).

ج. در روایات آمده است که «مردی از شخصی خواهرش را خواستگاری نمود. برادر آن خانم به خواستگار گفت که خواهرش قبلاً (مدت‌ها پیش) مرتکب زنا شده است. خبر این ماجرا به عمر بن خطاب رسید. [نقل شده است که] عمر برادر آن دختر را کتک زد یا نزدیک بود به خاطر

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

۱. جَاءَ رَجُلٌ إِلَى عُمَرَ بْنِ الْخَطَّابِ، فَقَالَ: يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ، إِنِّي وَأَدْتُ ابْنَةَ لِي فِي أَصَابَتْ حَدًّا مِنْ حُدُودِ الْإِسْلَامِ، فَلَمْ نَفْجَأْهَا إِلَّا وَقَدْ أَخَذَتِ السَّكِّينَ تَدْبِحُ نَفْسَهَا، فَاسْتَفَدْتُهَا، وَقَدْ خَرَجَتْ نَفْسَهَا فِدَاؤَ بَيْتِهَا حَتَّى بَرَأَ كَلِمَهَا، فَأَقْبَلْتُ إِيَّاهَا حَسَنًا، وَإِنَّهَا خَطَبَتْ إِلَيَّ فَأَذْكَرُ مَا كَانَ مِنْهَا، فَقَالَ عُمَرُ: «هَاهُ، لَئِنْ فَعَلْتَ لِأَعَابِيكَ عَقُوبَةً»، قَالَ أَبُو فَرَوَةَ: «يَسْمَعُ بِهَا أَهْلُ الْوَبْرِ، وَأَهْلُ الْوُدَمِ»، قَالَ إِسْمَاعِيلُ، يَتَحَدَّثُ بِهَا أَهْلُ الْأَمْصَارِ، أَنْكَحَهَا نِكَاحَ الْعَقِيفَةِ الْمُسْلِمَةِ.

۲. طارق بن شهاب می‌گوید: «أَنَّ رَجُلًا خَطَبَ إِلَيْهِ ابْنَةَ لَهُ، وَكَانَتْ قَدْ أَحْدَثَتْ لَهُ، فَجَاءَ، إِلَى عُمَرَ فَذَكَرَ ذَلِكَ لَهُ فَقَالَ عُمَرُ: «مَا رَأَيْتَ مِنْهَا؟» قَالَ: مَا رَأَيْتُ إِلَّا خَيْرًا قَالَ: «فَرَوْجَهَا وَلَا تُخْبِرْ».

این کار، او را بزند» (ابن انس، بی تا، ج ۲، ص ۵۴۷؛ ابن حزم، بی تا، ج ۱۰، ص ۲۸).^۱ بر اساس این روایت، اولیای دختران از افشای راز ایشان برای خواستگاران منع گردیده‌اند و این روایت بر این مسئله دلالت دارد که اگر افشای راز واجب می‌بود، قطعاً عمر بن خطاب به این کار امر یا حداقل تشویق و ترغیب می‌نمود، نه اینکه با شدت با آن برخورد نماید و یا حتی برای آن مجازات تعزیری در نظر بگیرد (نجار، ۱۴۳۰ق، ص ۲۷).

۳) صحابه معتقدند که ارتکاب به زنا و حتی بارداری در نتیجه آن نیز مانع از ازدواج شخص زانیه نیست؛ زیرا عمر بن خطاب در حضور صحابه، ازدواج خانمی را که به سبب زنا باردار شده بود، مباح و جایز دانست و هیچ‌یک از صحابه با وی در این نظر مخالفت نمودند و این به منزله اجماع [سکوتی] در این مسئله است (ابن حزم، بی تا، ج ۱۰، ص ۲۸). حال با توجه به آنچه گفته شد، از آنجا که ازدواج زانیه جایز است، عمل ترمیم نیز با قیاس بر ازدواج برای وی، جایز و بلا مانع است و زمانی که این عمل برای شخص زانیه جایز باشد، پس به طریق اولی، برای سایرین جایز خواهد بود (نجار، ۱۴۳۰ق، ص ۲۸).

۴) قائلان به جواز مطلق معتقدند که انجام عمل ترمیم مصالح فراوانی دارد؛ از جمله:
الف. حفظ آبروی دختر مرّم و خانواده‌اش به واسطه انجام این عمل (یاسین، ۱۴۰۸ق، ص ۸۵)؛ در شریعت اسلام و در آیات و روایات فراوانی بر ستر گناه و عدم فاش نمودن راز مسلمانان تأکید و تأیید شده است، مانند: «هرکس گناه مسلمانی را بپوشاند، خداوند در دنیا و قیامت گناهانش را می‌پوشاند» (بخاری، ۱۴۲۲ق، ج ۳، ص ۱۲۸)،^۲ «هر مؤمنی عیب یا عورتی از برادر دینی‌اش ببیند و آن را بپوشاند، خداوند متعال او را به بهشت وارد می‌کند» (طبرانی، ۱۴۱۵ق، ج ۲، ص ۱۳۱)،^۳ «هرکس عیب شخص دیگری را بپوشاند، مانند آن است که دختر

۱. ان رجلا خطب إلى رجل أخته فذكر أنها قد كانت أحدثت فبلغ ذلك عمر بن الخطاب فضربه أو كاد يضره.

۲. مَنْ سَتَرَ مُسْلِمًا سَتَرَهُ اللَّهُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ.

۳. لَا يَرَى مُؤْمِنٌ مِنْ أَخِيهِ عَوْرَةً فَيَسْتُرُهَا عَلَيْهِ إِلَّا أَدْخَلَهُ اللَّهُ الْجَنَّةَ.

زنده به گوری را زنده کرده باشد» (طبرانی، ۱۴۱۵ق، ج ۶، ص ۱۸۹)^۱ و این روایت که «مردی به نام هزال که از زنای شخصی به اسم ماعز اطلاع پیدا کرده بود، ماعز را تشویق نمود که نزد پیامبر (ص) برود و به گناهِش اعتراف کند. ماعز نزد پیامبر (ص) آمد و چهار بار به عمل ناشایست خود اقرار نمود. رسول خدا (ص) به هزال فرمود: اگر با پیراهنت او را می پوشاندی، برای تو بهتر بود» (ابوداؤد، بی تا، ج ۴، ص ۲۳۳).^۲ بنابراین از آنجا که مفهوم ویژه روایات مذکور ستر گناه و مخفی نگاه داشتن جرم افراد است و به آن پاداش تعلق می گیرد (شریبنی، ۱۴۱۵ق، ج ۲، ص ۴۶۱؛ ماوردی، ۱۴۱۴ق، ج ۱۳، ص ۲۳۲ و ج ۱۶، ص ۱۹۲؛ ابن عبدالسلام، بی تا، ج ۱، ص ۱۶۰؛ بخاری، ۱۴۲۲ق، ج ۸، ص ۲۰). پس مخفی نگاه داشتن عیب دختری که بی اراده و بدون ارتکاب معصیت و گناه، بکارتش زایل گشته، به طریق اولی واجب است و از این جهت که عمل ترمیم به مصلحت حفظ آبرو و جلوگیری از خشونت و آسیب و آزارهای اجتماعی ناشی از زوال بکارت می انجامد، جایز می باشد (نجار، ۱۴۳۰ق، ص ۲۴؛ یاسین، ۱۴۰۸ق، ص ۸۵؛ ابوجزر، ۱۴۲۹ق، ص ۶۷).

ب. جلوگیری از ایجاد سوءظن و بدگمانی نسبت به دختر مرمم؛ سوءظن و تهمت بی دلیل به افراد از سویی با «اصل برائت» و «لزوم حسن ظن» در تضاد است و از سوی دیگر، انجام عمل ترمیم راهکاری مناسب برای عدم اطلاع دیگران از فقدان سلامت پرده بکارت و در نتیجه جلوگیری از بدگمانی، تهمت و افترا به شخص مرمم است (نجار، ۱۴۳۰ق، ص ۲۴ و ۲۹؛ یاسین، ۱۴۰۸ق، ص ۸۶؛ شتیطی، ۱۴۱۵ق، ص ۴۳؛ ابوجزر، ۱۴۲۹ق، ص ۶۷).

ج. حفظ کیان خانواده پدری و نیز زندگی زناشویی دختر مرمم؛ از یک جهت، اگر اطرافیان نسبت به عدم سلامت پرده اطلاع یابند، چه بسا خود و خانواده اش در معرض تهمت و افترا قرار گیرند و احترام و آبروی اجتماعی ایشان مصون نخواهد بود و احتمال درگیری و نزاع وجود خواهد داشت و از جهت دیگر، در صورت سکوت و رضایت داماد به این امر، در

۱. مِنْ سَتْرٍ عَوْرَةٍ فَكَأَنَّمَا أَحْيَا مُؤَدَّةً مِنْ قَبْرِهَا.

۲. أَنْ مَاعِزًا أَتَى النَّبِيَّ (ص) فَأَقْرَعَ عِنْدَهُ أَرْبَعَ مَرَّاتٍ فَأَمَرَ بِرَجْمِهِ وَقَالَ لَهُ زَالٍ «لَوْ سَتَرْتَهُ بِثَوْبِكَ كَانَ خَيْرًا لَكَ».

زندگی مشترک، مشکلاتی از جمله شک، بی‌اعتمادی و سستی روابط زوجین و اعضای خانواده را در پی خواهد داشت، در حالی که تأکید اسلام بر حفظ وحدت و گرمی کانون خانواده است (یاسین، ۱۴۰۸ق، ص ۸۶؛ ابوجزر، ۱۴۲۹ق، ص ۷۴؛ شنقیطی، ۱۴۱۵ق، ص ۴۳۱؛ خالد منصور، ۱۴۱۹ق، ص ۲۲۱).

د. جنبه آداب و رسومی و عرفی مسئله بکارت و نه جنبه اسلامی آن؛ در قوانین اسلامی دختری که آسیب به پرده بکارتش آشکار می‌شود، مادامی که چهار شاهد عادل وجود نداشته باشند یا آن دختر خودش به زنا اقرار ننماید، از نظر احکام دنیایی برای وی مجازاتی در نظر گرفته نشده است (یاسین، ۱۴۰۸ق، ص ۸۷؛ رملی، ۱۴۰۴ق، ج ۶، ص ۲۳۰؛ ابن نجیم، بی‌تا، ج ۵، ص ۲۴ و ج ۳، ص ۱۲۴)؛ اما این در حالی است که در بسیاری از مناطق و جوامع به دلیل رواج سنت‌ها و عرف‌های غلط و نابجا، مجازات‌هایی سخت برای آنان در نظر گرفته شده است. لذا به نظر می‌رسد انجام عمل ترمیم برای جلوگیری از چنین عرف‌های فاسد و قوانین مغایر با شریعت اسلامی و پیامدهای خشن آن راه‌حلی مناسب است (یاسین، ۱۴۰۸ق، ص ۸۸؛ شنقیطی، ۱۴۱۵ق، ص ۴۳۱؛ نجار، ۱۴۳۰ق، ص ۲۹).

هـ. بازخوردهای تربیتی عمل ترمیم بکارت؛ از جمله ۱. ستر معصیت و عدم آشکار نمودن آن — همان‌طور که غزالی بیان می‌دارد: «گناه و معصیت پنهانی فقط به صاحبش ضرر می‌رساند، اما اگر آشکار گردد و مورد انکار مردم قرار نگیرد، به عموم مردم ضرر می‌رساند» (غزالی، بی‌تا، ج ۲، ص ۳۱۱)^۲ — بازخورد فردی آن بیشتر از ضررهای زیان‌باری است که احتمالاً جامعه به آن دچار خواهد شد. ۲. با عمل ترمیم باب توبه به‌روی شخص زانی باز می‌گردد و در نتیجه به اصلاح و تغییر وی و شروع یک زندگی جدید کمک خواهد نمود (نجار، ۱۴۳۰ق، ص ۳۰؛ یاسین، ۱۴۰۸ق، ص ۸۹-۹۰).

۱. کاسانی، ۱۹۸۲م، ج ۷، ص ۴۶ و ج ۲، ص ۲۴۴؛ ابن قدامه، ۱۴۰۵ق، ج ۱۰، ص ۱۶۰ و ۱۶۳؛ نووی، ۱۴۰۵ق، ج ۷، ص ۵۴؛ ابن قدامه، بی‌تا، ج ۷، ص ۴۰۵؛ حصکفی، ۱۳۸۶، ج ۳، ص ۶۳؛ فاسی، ۱۴۲۰ق، ج ۱، ص ۲۷۲؛ ابن انس مالک، بی‌تا، ج ۲، ص ۱۰۱.
 ۲. إن المعصية إذا أخفيت لم تضر إلا صاحبها فإذا اعلنت ولم تغير اضرت بالعمامة.

۱.۳. دیدگاه قائلان به تفصیل

دیدگاه سوم درباره عمل ترمیم پرده بکارت قائل به تفصیل است. قائلان این قول با رویکردی مصلحتی و از باب سد ذرایع و با بررسی جزئیات به بیان این مسئله پرداخته‌اند و همین امر سبب ایجاد تفاوت‌هایی در دیدگاه‌های مطرح‌شده از جانب ایشان گشته است که در ادامه، اقوال آنها با ذکر جزئیات خواهد آمد.

۱) قائلان به جواز ترمیم برای صغیره نابالغ: قائلان به این قول معتقدند در صورتی که ازاله بکارت غیرارادی و بدون اختیار و به سببی غیر از جماع باشد، ترمیم پرده فقط برای دختر صغیره‌ای که به شهادت پزشک معالج به سن جماع نرسیده و توانایی وطی و رابطه زناشویی نداشته باشد، جایز است، اما در سایر موارد حرام است. این گروه به عدم وجود اختیار شخص در ازاله پرده بکارت استناد نموده‌اند (خالد منصور، ۱۴۱۹ق، ج ۲۱۱ و ۲۱۵).

۲) قائلان به جواز ترمیم در صورت تمایل و اطلاع زوج: این گروه می‌گویند که در صورت تمایل زوج به انجام عمل ترمیم و حضور وی در اتاق عمل یا انجام عمل توسط خود وی به‌عنوان پزشک مرهم، عمل ترمیم جایز است (همان، ۲۱۱). به نظر می‌رسد مسئله حضور زوج در اتاق عمل به‌عنوان همراه یا پزشک مرهم جهت انتفای مفسده غش و فریب و مفسده کشف عورت است و به همین دلیل، قائلان به این قول عمل ترمیم را در این حالت جایز دانسته، در سایر موارد معتقد به ممنوعیت آن هستند.

۳) قائلان به جواز ترمیم به دلیل تجاوز به عنف، اکراه یا دلایل غیرارادی: گروهی همچون توفیق واعی و هانی بن عبدالله بن محمد بن جبیر معتقدند که اگر ازاله بکارت به سبب تجاوز به عنف یا اکراه به زنا (حتی در خواب یا در حالت بیهوشی) یا عدم وجود پرده به صورت مادرزادی یا دلیلی غیرارادی مانند خارج کردن تومور یا غده از شکم یا رحم، عمل جراحی کورتاژ تشخیصی، شدت حیض، بیماری، پرش، تصادف یا ورود شی‌ای خارجی یا در اثر ورزش و فعالیت‌های سنگین اتفاق افتاده باشد، ترمیم جایز است (خالد منصور، ۱۴۱۹ق، ص ۲۱۲؛ ابوجزر، ۱۴۲۹ق، ص ۵۶؛ ممدوح سعد، ۱۴۳۰ق، ص ۷۶ و ۸۱؛ نجار، ۱۴۳۰ق، ص ۱۷؛ یاسین، ۱۴۰۸ق، ص ۹۶).

۴) قائلان به جواز ترمیم با در نظر گرفتن شرایط مکانی و محل سکونت دختر مرّم: این گروه خود به دو دسته تقسیم می‌شوند: الف) برخی معتقدند چنانچه دلیل ازاله بکارت ارتکاب به زنا نباشد و ازاله بکارت غیرارادی باشد، اما دختر مورد بحث در جامعه‌ای زندگی کند که در اثر نداشتن پرده بکارت، جانش به خطر بیفتد، عمل جراحی نه تنها جایز، بلکه واجب هم خواهد بود (یاسین، ۱۴۰۸ق، ص ۹۶ و ۱۱۲؛ ابوجزر، ۱۴۲۹ق، ص ۷۵؛ نجار، ۱۴۳۰ق، ص ۱۷).
ب) گروهی هم معتقدند چنانچه ازاله بکارت غیرارادی و در اثر حادثه یا ارتکاب فعلی غیر از معصیت یا به وسیله زنا غیرمشهور واقع شده باشد و دختر مذکور در جامعه‌ای زندگی کند که احتمالاً در اثر نداشتن پرده بکارت، جانش هم به خطر نیفتد، در این حالت نیز، عمل جراحی برای وی جایز است (یاسین، ۱۴۰۸ق، ص ۱۱۲).

۵) قائلان به جواز به شرط توبه شخص زناکار: برخی نیز معتقدند که چنانچه سبب ازاله بکارت زنا باشد و دختر نیز مشهور به زنا باشد، اگر توبه کند و راه عفت و سلامت را در پیش گیرد و خود را اصلاح نماید، عمل ترمیم جایز است (ممدوح سعد، ۱۴۳۰ق، ص ۷۹). بنابراین مفهوم این قول آن است که چنانچه سبب ازاله بکارت ارتکاب به زنا با رضایت باشد و دختر مشهور به زنا هم نباشد و توبه نکند، ترمیم جایز نیست.

۱.۴. دلایل قائلان به تفصیل

قائلان به تفصیل برای توجیه دیدگاه خود، به دلایل زیر استناد نموده‌اند. گفتنی است که تعدادی از دلایل قائلان به تفصیل همان دلایل مذکور قائلان به جواز است که از ذکر آنها جهت عدم اطاله کلام خودداری می‌شود و به بیان ادله اختصاصی ایشان پرداخته خواهد شد.

- عدم رعایت عدالت و انصاف در صورت صدور حکم یکسان برای اسباب مختلف زوال بکارت: قائلان به تفصیل می‌گویند: صدور حکم یکسان برای دختری که به سبب زنا غیراکراهی (با رضایت) پرده بکارتش آسیب دیده و دختری که پرده بکارتش غیرارادی و در اثر یک حادثه و بدون معصیت، آسیب دیده، خلاف عدل و انصاف است (ابوجزر، ۱۴۲۹ق، ص ۷۵)؛ زیرا شخص مکروه، کودک، نائم و مغمی‌علیه در برابر فعل انجام‌شده، هیچ‌گونه مسئولیت و تکلیف شرعی‌ای بر عهده ندارند (یاسین، ۱۴۰۸ق، ص ۹۴؛ ممدوح سعد، ۱۴۳۰ق، ص ۷۶ و ۸۱). با

استناد به آیه ۱۰۶ سوره نحل که می‌فرماید: «کسانی که پس از ایمان آوردن نشان کافر می‌شوند - به غیر از آنان که (تحت فشار و اجبار) وادار به اظهار کفر می‌گردند و در همان حال، دل‌هایشان ثابت بر ایمان است»^۱ و حدیث پیامبر (ص) که می‌فرماید: «از سه نفر سلب مسئولیت و رفع قلم شده است: از کسی که خواب است تا بیدار شود؛ از کودک تا اینکه به حد بلوغ برسد و از دیوانه تا اینکه عاقل گردد» (ابن ماجه، ۴۳۳ق، ج ۲، ص ۵۱۲)^۲ و نیز حدیث «خداوند متعال [گناه کارهای انجام گرفته از روی] خطا و نسیان و [انجام شده در اثر] اکراه را از امت من برداشته است» (ابن ماجه، ۴۳۳ق، ج ۲، ص ۵۱۳ و ج ۲، ص ۵۱۴).^۳

• تعلیل به وارونه جلوه دادن حقیقت در مواردی صدق نمی‌کند: فردی که مرتکب زنا با رضایت می‌شود، گناهکار و متجاوز است و توصیه شرع مقدس برای پوشاندن و مستور نگه داشتن گناه وی به معنای جواز انجام عمل ترمیم برای او نیست؛ زیرا این کار سبب قلب حقیقت و فریب مردم می‌گردد؛ اما دختری که پرده بکارتش غیرارادی آسیب دیده است، گناهکار و متجاوز نبوده و جواز عمل ترمیم برای وی به هیچ وجه به منزله تغییر در حقیقت و وارونه جلوه دادن حقیقت نیست (ابوجزر، ۴۲۹ق، ص ۷۵؛ نجار، ۴۳۰ق، ص ۱۷).

• تحقق مصالح و انتفای مفسد ترمیم در صورت زوال بکارت با اسباب غیرارادی: مفسد عمل ترمیم پرده بکارت غالباً در مورد کسی صادق است که وی با اراده و رضایت خویش مرتکب زنا شده باشد و با این اندیشه و فکر که پرده‌اش را ترمیم خواهد نمود، به خود جرئت و جسارت انجام گناه و زنا را می‌دهد؛ اما درباره دخترانی که بدون ارتکاب به معصیت و غیرارادی پرده بکارتشان را از دست داده‌اند، مصلحت‌های ترمیم پرده بکارت به صورت راجح در حق ایشان صدق پیدا می‌کند؛ زیرا با انجام عمل ترمیم، چنین دخترانی بر اخلاق و سلوک عفیفاً و پاک خویش که از قبل بر آن بودند، پایداری می‌کنند و تشویق می‌شوند که همچون

۱. مَنْ كَفَرَ بِاللَّهِ مِنْ بَعْدِ إِيمَانِهِ إِلَّا مَنْ أَكْرَهَ وَقَلْبُهُ مُطْمَئِنٌّ بِالْإِيمَانِ.
 ۲. رَفَعَ الْقَلَمَ عَنْ ثَلَاثَةٍ عَنِ الثَّائِمِ حَتَّى يَسْتَقِظَ وَعَنِ الصَّبِيِّ حَتَّى يَحْتَلِمَ وَعَنِ الْمَجْنُونِ حَتَّى يَعْقِلَ.
 ۳. إِنَّ اللَّهَ وَضَعَ عَنِ أُمَّتِي الْخَطَأَ وَالنِّسْيَانَ وَمَا اسْتَكْرَهُوا عَلَيْهِ.

قبل، پاک و عفیف بمانند و در نتیجه، اغلب مفاسدی که علما آنها را دربارهٔ ترمیم پردهٔ بکارت مطرح کرده‌اند، برای چنین دخترانی متفی می‌گردد (شنقیطی، ۱۴۱۵ق، ص ۴۳۱؛ خالد منصور، ۱۴۱۹ق، ص ۲۱۶-۲۱۷؛ نجار، ۱۴۳۰ق، ص ۱۶؛ ممدوح سعد، ۱۴۳۰ق، ص ۷۶؛ یاسین، ۱۴۰۸ق، ص ۹۹؛ ابو جزر، ۱۴۲۹ق، ص ۷۶).

• جواز کشف عورت در حالت ضرورت: واضح و مبرهن است که مفسدهٔ کشف عورت بدون شک در زمان عمل ترمیم پردهٔ بکارت (سبب ازالهٔ پرده هرچیزی که باشد) واقع می‌شود و این در حالی است که فقها معتقدند کشف عورت حرام است؛ اما در زمان وجود ضرورت یا مصلحت راجح (مثلاً کشف عورت سبب دفع مفسده‌ای بزرگ‌تر باشد)، به اتفاق فقها نه تنها کشف عورت حرام نیست، بلکه با استناد به قاعدهٔ «الضرورات تبيح المحظورات»، جایز هم می‌باشد (زرقا، بی تا، ج ۱، ص ۱۰۹؛ سرخسی، ۱۴۲۱ق، ج ۱۰، ص ۲۶۸؛ ابن قدامه، ۱۴۰۵ق، ج ۱، ص ۲۶۳؛ نووی، بی تا، ج ۱، ص ۲۹۷؛ ابن عبدالسلام، بی تا، ج ۱، ص ۹۸ و ج ۲، ص ۱۴۱)؛ زیرا در صورت وجود چنین شرایط و مصالحی و نیز در زمانی که این احتمال وجود داشته باشد که دختری در جامعه به سبب آسیب پردهٔ بکارت، مورد ظلم و آزار قرار بگیرد و ترمیم پردهٔ بکارت بتواند مفاسد اجتماعی و عرفی‌ای را که در انتظار وی است، دفع نماید، مفسدهٔ کشف عورت به علت وجود مصلحت مذکور، قابل اغماض است (ممدوح سعد، ۱۴۳۰ق، ص ۸۶؛ یاسین، ۱۴۰۸ق، ص ۹۹).

• وجود رسوم و تقالید اجتماعی و عرفی غیرمشروع: قائلان به تفصیل معتقدند سکوت و اجتناب از افشای راز دختری که پردهٔ بکارت وی زایل شده است، کافی نیست؛ زیرا این سکوت و اجتناب از عدم افشای گناه وی نوعی ستر است، اما ستری موقتی است و پس از ازدواج، راز وی فاش می‌گردد و در جوامعی که وجود پردهٔ بکارت در شب زفاف به مثابهٔ ارزش قلمداد می‌گردد، عدم وجود بکارت سبب تحمیل آزار و ظلم‌های اجتماعی به وی خواهد شد و در نتیجه، انجام عمل ترمیم در این حالت توسط پزشک، بعد فعلی ستر گناه محسوب می‌شود و سبب رفع عیب و نقص وی و عواقب بعد از آن خواهد شد. عمل مذکور در این حالت، مقابله با رسوم اجتماعی و عرف‌های فاسدی است که جنبهٔ شرعی نداشته، مخالف نصوص

است (ممدوح سعد، ۱۴۳۰ق، ص ۹۴؛ یاسین، ۱۴۰۸ق، ص ۱۰۰).

۲. نقد و بررسی اقوال و دیدگاه‌های سه گانه مذکور

بررسی و استقرای آرای موافقان، مخالفان و قائلان به تفصیل، این نتیجه را آشکار می‌کند که دلایل هر سه گروه و آرای مطرح شده از جانب ایشان به نوبه خود قابل توجیه و تأمل و صحیح به نظر می‌رسد؛ چرا که همه با استناد به دلایل نقلی و عقلی، به ارائه دیدگاه خود پرداخته‌اند. اما پس از بررسی و دقت نظر در دلایل مطرح شده و بررسی همه جانبه و مقایسه آنها با یکدیگر، به نظر می‌رسد اقوال و دلایل ایشان خالی از نقد و اشکال نباشد که در ادامه بدان پرداخته خواهد شد.

۲.۱. نقد و بررسی دیدگاه مخالفان عمل ترمیم

قول مخالفان عمل ترمیم از این جهت قابل نقد است که با وجود امکانات انجام این عمل در عصر حاضر و شیوع روزافزون آن، به خصوص در میان جوامع غیردینی و اشخاص و پزشکانی که تقید دینی ندارند، حکم مطلق به حرمت انجام این عمل، موجب اضرار به دختران عفیف و پاک دامنی می‌شود که آسیب به پرده ایشان در اثر حوادث غیرارادی یا حتی تجاوز به عنف اتفاق افتاده است؛ اما خود را ملزم به تبعیت از احکام دینی و رأی علمای دین می‌نمایند. بنابراین احتمال دارد که این دختران یا جهت حفظ آبروی خانوادگی و فردی‌شان برای همیشه تصمیم به ترک ازدواج بگیرند یا اینکه خود را موظف بدانند که در زمان خواستگاری، راز عدم وجود پرده بکارتشان را بازگو نمایند که این مسئله علاوه بر اینکه امری سخت و عذاب‌آور است، موجب بروز مشکلاتی از جمله ایجاد بدبینی و سوءظن نسبت به آن دختر پاکدامن خواهد گردید. از سوی دیگر نیز، چنانچه زوال پرده را کتمان نماید، به احتمال زیاد راز وی در شب زفاف فاش خواهد شد و سبب بروز زمینه‌های بدگمانی، سوءظن، افترا و نیز انحلال نظام خانواده و ریختن آبروی آن دختر و حتی خانواده وی خواهد شد. بنابراین می‌توان از این دستاورد علوم جدید به عنوان وسیله‌ای برای نجات جان و آبرو و حفظ حیثیت دختران پاکدامن و عفیف استفاده کرد؛ زیرا در زمان‌های گذشته به سبب عدم آگاهی عمومی از فرامین و قوانین شرع مقدس اسلام و عدم اطلاع از علم پزشکی مرتبط با پرده بکارت، مفهوم عدالت در حق

ایشان تحقق نیافته و مورد تهمت و آزار و ظلم و خشونت قرار گرفته‌اند و حتی در مواردی منجر به قتل آنها نیز شده است.

۲.۲. نقد و بررسی دیدگاه قائلان به جواز مطلق

قول موافقان جواز نیز از این جهت قابل نقد است که حکم به جواز مطلق ترمیم پرده بکارت به معنای جواز شرعی انجام این عمل حتی در مواردی است که هیچ مصلحت و دلیل موجهی برای آن وجود ندارد و این در حالی است که مفاسد انجام این عمل غیرقابل انکار است؛ به عنوان مثال، انجام عمل ترمیم توسط دختر مشتهر به زنا یا دختری که حد زنا بر او جاری شده و توبه هم کرده باشد، هیچ مصلحت موجهی ندارد؛ زیرا عموم مردم از عدم بکارت آنها اطلاع دارند و مفسده رسوایی و آبروریزی در این مبحث نه تنها موضوعیتی ندارد، بلکه منتفی است.

۲.۳. نقد و بررسی دیدگاه قائلان به تفصیل

- از میان اقوال قائلان به تفصیل، قول اول به این صورت قابل نقد است که تخصیص عمل ترمیم به دختران صغیره نیازمند دلیل موجه است و این در حالی است که از یک سو، قائلان به آن دلیل قابل قبولی بیان نکرده‌اند و از سوی دیگر، وجود مصادیقی از میان زنان بالغ، که بدون ارتکاب به معصیت، بیش از دختران صغیره خواهان ترمیم پرده بکارت‌اند، حاکی از عدم موجه بودن این دیدگاه و عام بودن دایره انجام این عمل جراحی است.
- در مورد قول دوم قائلان به تفصیل نیز باید گفت که اولاً حالت حضور زوج، چه در اتاق عمل و چه به عنوان پزشک مرمم، عملاً هیچ مصلحت قابل پذیرشی ندارد و نمی‌تواند مفاسد غیرقابل انکار این عمل را کم‌رنگ و توجیه کند. ثانیاً علاوه بر این مفاسد، جواز چنین عمل‌هایی در جامعه بیشتر از مصالح آن است؛ زیرا علاوه بر اینکه زمینه‌ساز ایجاد بدعت و سبب ابتدال و هرج و مرج در جامعه خواهد گردید، موجب اختلاط نسب در افرادی که اعتقاد و ایمان راسخ و محکمی ندارند، خواهد شد. ثالثاً چنین قولی پیشنهادی مناسب است، البته برای زمانی که در اثر حاکمیت غلط عرف و رسوم و سنت‌های اجتماعی دختری آسیب ببیند و در این هنگام، فردی با اطلاع از عفت آن دختر و توبه وی، راضی به رواداشت ظلم و آزار اجتماعی علیه وی نشود و با او قرار ازدواج بگذارد و جهت حفظ آبروی خود و همسرش

راضی به انجام عمل ترمیم گردد که در این صورت، چون رضایت و رغبت و حضور زوج هست، مفسده غش و فریب نیز ملغی می‌گردد؛ اما در واقع وجود چنین مردان آگاه و روشنفکری در بستر چنین جوامعی محدود است و پیشنهاد این گروه و راه‌حل آنها را عملاً نمی‌توان به‌عنوان قول راجح برگزید.

- قول پنجم از اقوال قائلان به تفصیل نیز قابل نقد است؛ زیرا از جانب ایشان دلیل موجهی اظهار نشده است و این قول کامل و جامع نیست و به تمامی زوایای این مسئله اشاره نکرده است.
- تعلیق ترمیم به توبه نیز محل نقد است؛ زیرا فردی که مرتکب گناه و عصیان می‌شود، صرف عدم اصرار بر گناه و عدم تکرار آن و امتناع از اشاعه گناه و فحشا در میان مردم از نظر شرعی دال بر توبه و پشیمانی اوست و بر اساس احادیث، ستر گناه و عدم مجازات وی واجب است. علاوه بر اینها توبه امری قلبی است و اطلاع دیگران از آن ممکن نیست؛ زیرا توبه امری مابین بنده و پروردگارش است و نمی‌توان حکم عمل ترمیم را به توبه که امری ظاهری نیست، وابسته نمود و امکان اظهار نظر یقینی درباره آن نیست.
- در مورد زنا غیرمشهور و پنهانی علاوه بر ادله مطرح شده در اقوال مذکور، از متون برخی فقهای متقدم برداشت می‌شود که ستر گناه فردی که مشهور به زنا نمی‌باشد، مورد تأکید شارع است. در نتیجه می‌توان گفت که عمل ترمیم پرده برای وی جایز می‌باشد؛ البته مشروط به اینکه به قصد تدلیس، این کار را انجام نداده باشد. به‌عنوان مثال، در متون فقهی ذکر شده است: دختری که پرده بکارتش غیرارادی یا به‌واسطه عمل جراحی یا حتی در اثر زنا پنهانی که حد بر او جاری نشده است و آن را تکرار ننموده، زائل شده باشد، در زمان عقد نکاح حکماً باکره به شمار می‌آید؛ زیرا مردم او را باکره می‌دانند^۱ (ابن عابدین، ۱۴۲۱ق، ج ۳، ص ۶۳؛ ابن نجیم، بی تا، ج ۳، ص ۱۲۴، سرخسی، ۱۴۲۱ق، ج ۵، ص ۱۲).

۱. گفتنی است که در این زمینه، میان علمای متقدم اختلاف نظر وجود دارد (خرشی، بی تا، ج ۳، ص ۱۷۶؛ ابواسحاق، ۱۴۲۳ق، ج ۷، ص ۲۴؛ کاسانی، ۱۹۸۲م، ج ۲، ص ۲۴۴).

۳. رأی برگزیده اقوال سه‌گانه مذکور

نقد و بررسی اقوال سه‌گانه مذکور و دلایل ایشان این مسئله را برای ما روشن می‌نماید که با اندکی تسامح، قول چهارم از میان اقوال قائلان به تفصیل قابل پذیرش تر است؛ زیرا همان‌طور که گذشت، چنانچه دلیل ازاله بکارت عدم فعل زنا و غیرارادی باشد و دختر خواهان ترمیم در مناطقی که وجود پرده بکارت عرف است و ضرورت دارد، زندگی کند و احتمال خطر جانی برای وی زیاد باشد، عمل ترمیم نه تنها جایز، بلکه واجب هم می‌باشد.

یافته‌های پژوهش

با استقرای آرای فقهی، مشخص شد که در خصوص تعریف بکارت اختلاف نظر وجود دارد و گویی تعاریف فقها با مورد توجه قرار دادن تفاسیر اهل لغت صورت گرفته است و شاید عدم بیان مفهومی دقیق و واحد از طرف فقها، به دلیل رواج معنای عرفی و تحت‌اللفظی واژه بکارت باشد که آن را «اظهر من الشمس» نموده است؛ به این صورت که تحقق ثبوت در معنای تحت‌اللفظی مساوی است با زوال بکارت. با جمع‌بندی اقوال و دیدگاه‌های لغت‌شناسان و فقها درباره واژه بکر و ثیب این نتیجه حاصل می‌شود که صفت بکر (باکره حقیقی) برای خانمی به کار می‌رود که مورد دخول (اعم از ایلاج، تفخیز و ...) واقع نشده باشد و در واقع، پرده بکارت اماره آن است.

درباره حکم شرعی عمل ترمیم پرده بکارت، فقهای اهل سنت سه دیدگاه حرمت، جواز و قول به تفصیل را بیان نموده‌اند و هر گروه برای اثبات دیدگاه خود به دلایل نقلی و عقلی استناد کرده‌اند. از میان اقوال مذکور، با توجه به قابل پذیرش و ملموس تر بودن ادله قائلان به ترمیم، در نظر گرفتن اقتضائات زمان، روند روبه‌رشد عمل ترمیم در میان جوامع مسلمان و غیرمسلمان، مصالح موجود در انجام عمل ترمیم، جلوگیری از خشونت و ترتب ظلم و آزارهای اجتماعی و عدم تحقق عدالت در حق دخترانی که به هر سببی پرده بکارتشان آسیب دیده است و همچنین با توجه به این مسئله که اهمیت جنسیتی پرده بکارت برگرفته از عرف و باورهای اجتماعی می‌باشد و هیچ‌گونه هماهنگی و سنخیتی با باورهای اسلامی و فقهی ندارد، قول به جواز عمل ترمیم با در نظر گرفتن و مقایسه مفاسد و مصالح آن راجح است؛ البته به شرط آنکه

ترمیم جهت تدلیس در نکاح نباشد؛ زیرا در این صورت جایز نیست و علاوه بر ایجاد حق فسخ نکاح و رجوع به مهریه (سقوط مهریه) برای زوج، جرم محسوب می‌شود و مستوجب مجازات است.

گفتنی است که داشتن پرده بکارت همیشه نشانه باکرگی نیست و از دیگر سو، نداشتن پرده بکارت نیز همواره دلیل بر عدم باکرگی نیست و پرده بکارت به‌خودی‌خود در این راستا موضوعیتی ندارد؛ بلکه تنها از این حیث که می‌تواند اماره‌ای بر دوشیزگی واقعی (باکرگی حقیقی) باشد و به اصطلاح طریقت دارد، درخور اهمیت دانسته شده است (میرزاده اهری، ۱۳۹۵، ص ۱۵۴).

علاوه بر اینها، بررسی و استقرای آرای هر سه گروه مبین آن است که ترمیم بکارت به‌خودی‌خود حرام نیست؛ بلکه اگر حرمتی در میان باشد، به دلیل ملازمات آن مانند نمایاندن شرمگاه و لمس و نظر حرام است و به نظر می‌رسد که هرگاه پای جان یا آبروی دختر خواهان ترمیم بکارت در میان بوده و ضرورتی برای انجام آن در بین باشد، عمل یادشده برای وی مجاز است و از جهت ملازمات حرام، برای وی منعی وجود نخواهد داشت. علاوه بر این با بررسی متون پزشکی، نمایان می‌شود که تا کنون هیچ‌گونه دلیل بیولوژیکی قطعی برای وجود پرده بکارت در دختران کشف نشده است.

گفتنی است که در همین راستا در سال ۲۰۰۷ میلادی در مجمع فقه اسلامی جده، مصوبه‌ای به این شرح بیان گردید که «چنانچه زوال پرده بکارت به سبب حادثه، تجاوز یا اکراه واقع شده باشد، عمل جراحی ترمیم جایز است و در مواردی که پرده بکارت به سبب فحشا (زنا) زایل شده باشد، به دلیل سد ذریعه فساد و تدلیس، انجام این عمل شرعاً جایز نیست. قابل ذکر است که این حکم استثنائاتی نیز دارد؛ به این صورت که چنانچه ظن غالب بر آن باشد که عدم جواز انجام عمل ترمیم منجر به مفسده‌ای بزرگ‌تر شود، عمل ترمیم جایز است؛ همان طور که در عرف و جوامع ما در حال حاضر جاری و ساری است و چنانچه در شب زفاف، علم به عدم بکارت دختر (عروس) حاصل شود، منجر به طلاق، ایجاد مفسده، بی‌آبرویی و رسوایی وی و خانواده‌اش می‌شود و حتی در مواردی به قتل آن دختر می‌انجامد. بنابراین با در نظر گرفتن این

مسائل، برای دفع مفسده بزرگ‌تر، اخذ مفسده اقل، البته با رعایت شروط ذیل، جایز است: ۱. اطمینان از براءت رحم جهت جلوگیری از اختلاط نسب؛ ۲. مراجعه به پزشک زن مسلمان معتمد و امین جهت انجام عمل و در صورت فقدان چنین شخصی، در صورت لزوم به ترتیب مراجعه به پزشک زن غیرمسلمان امین یا پزشک مرد مسلمان امین یا پزشک مرد غیرمسلمان امین نیز جایز است؛ ۳. نگاه پزشک در زمان عمل ترمیم باید فقط به موضع و محل عمل ترمیم باشد؛ ۴. همراهی خانمی امین و معتمد در حین انجام عمل (قرارات و توصیات مجمع الفقه الإسلامی التابع لمنظمه المؤتمر الإسلامی، بی تا، قرار رقم ۱۷۳، ص ۳۱۵).

منابع

- قرآن کریم.
- ابن اثیر، مجدالدین مبارک بن محمد (۱۳۹۹ق). *النهايه في غريب الاثر*. بيروت: المكتبة العلميه.
- ابن انس، ابو عبدالله مالک (بی تا). *الموطأ امام مالک روایت یحیی اللیثی*. مصر: دار احیاء التراث العربی.
- _____ (بی تا). *المدونه الكبرى*. لبنان: دار الکتب العلمیه.
- ابن حزم اندلسی، علی بن احمد (بی تا). *المحلی بالآثار شرح المجلی باختصار*. بیروت: دار الفکر.
- ابن جبیر، هانی بن عبدالله ابن محمد (۱۴۰۰). *فتوا*. تاریخ بازدید از سایت آبان ۱۴۰۰، مندرج در سایت: <http://alsaha.fares.net/sahat>
- ابن رجب حنبلی، عبدالرحمن (۱۳۹۱ق). *القواعد فی الفقه الإسلامی*. مصر: مکتبه کلیات الازهریه.
- ابن سیده، علی (۲۰۰۰م). *المحکم و المحيط الاعظم*. بیروت: دار الکتب العلمیه.
- ابن عابدین، محمد (۱۴۲۱ق). *حاشیه رد المختار علی الدر المختار*. بیروت: دار الفکر للطباعه و النشر.
- ابن عبدالسلام، عزالدین (بی تا). *قواعد الاحکام فی مصالح الانام*. بیروت: دار المعارف.
- ابن فارس، احمد (۱۴۳۸ق). *مقیس اللغه*. قاهره: دار الآفاق العربیه.
- ابن قدامه مقدسی، عبدالله بن احمد (۱۴۰۵ق). *المغنی*. بیروت: دار الفکر.
- ابن قدامه، عبدالرحمن (بی تا). *شرح الكبير*. بیروت: دار الكتاب العربی للنشر و التوزیع.
- ابن ماجه، ابو عبدالله محمد (۱۴۳۳ق). *سنن ابن ماجه*. بیروت: دار المعرفه.
- ابن مفلح، ابراهیم (۱۴۲۳ق). *المبدع شرح المقنع*. ریاض: دار عالم الکتب.
- ابن منظور، محمد (بی تا). *لسان العرب*. بیروت: دار صادر.
- ابن نجیم حنفی، زین الدین (بی تا). *بحر الرائق شرح کنز الدقائق*. بیروت: دار المعرفه.
- ابن نجیم، زین العابدین بن ابراهیم (۱۴۰۰ق). *الاشباه و النظائر*. بیروت: دار الکتب العلمیه.

- ابوالحارث الغزی، محمد صدقی (۱۴۲۴ق). موسوعه القواعد الفقهیه. بیروت: موسسه الرساله.
- ابو جزر، ابراهیم موسی (۱۴۲۹ق). اثر سقوط العذره و البکاره علی الزواج. غزه: کلیه شریعه و القانون فی الجامعه الاسلامیه.
- ابوداود سجستانی، سلیمان بن اشعث (بی تا). سنن ابی داود. بیروت: دار الکتب العربی.
- ابن درستویه، ابو محمد عبدالله (۱۴۱۹ق). تصحیح الفصحیح و شرحه. قاهره: المجلس الاعلی للشئون الاسلامیه.
- انصاری عربانی، محمد (۱۳۸۳ش). «تدلیس در ازدواج از ناحیه زوجه». نشریه دادرسی، شماره ۴۴.
- بخاری، ابو عبدالله محمد (۱۴۲۲ق). صحیح البخاری. بیروت: دار طوق النجاه.
- برکوویتز، رایان و دونایف، باربیری (۱۳۸۵). اصول بیماری‌ها و بهداشت زنان کیستنر. ترجمه دکتر بهرام قاضی جهانی و روشنگر قطبی. تهران: گلبان.
- بسامی، مسعود (۱۳۸۹). «هایمنوپلاستی؛ ضمان بیمار و پزشک معالج». نشریه حقوق پزشکی. ۴(۱۵)، ص ۱۶۰-۱۲۹.
- بهوتی، منصور بن یونس (۱۹۹۶م). شرح منتهی الارادات. بیروت: عالم الکتب.
- تفتازانی، سعدالدین (۱۴۱۱ق). مختصر المعانی. بیروت: دار الفکر.
- ثعالبی، عبدالملک بن محمد (بی تا). فقه اللغه. بیروت: دار الکتب العلمیه.
- جوهری، ابونصر (۱۴۰۷ق). الصحاح تاج اللغه و صحاح العربیه. بیروت: دار العلم للملایین.
- حسن حسن جبل، محمد (۲۰۱۰م). المعجم الاشتقاقی المؤصل لألفاظ القرآن الکریم. قاهره: مکتبه الآداب.
- حصکفی، محمد بن علی (۱۳۸۶ق). در المختار. بیروت: دار الفکر.
- خالد منصور، محمد (۱۴۱۹ق). احکام الطیبه المتعلقه بالنساء. اردن: دار النفاثس.
- خرشی، محمد بن عبدالله (بی تا). شرح مختصر خلیل للخرشی. بیروت: دار الفکر.
- خطیب التمیمی، عزالدین (۱۴۰۷ق). رتق غشاء البکاره من منظور اسلامی. أبحاث ندوه الرؤیه الإسلامیه لبعض الممارسات الطیبه. کویت: المنظمه الإسلامیه للعلوم الطیبه.
- دردیر، احمد بن محمد العدوی (بی تا). الشرح الکبیر. بیروت: دار الفکر.
- دسوقی، محمد عرفه (بی تا). حاشیه الدسوقی علی شرح الکبیر. بیروت: دار الفکر.
- راغب اصفهانی، حسین (بی تا). المفردات فی غریب القرآن. لبنان: دار المعرفه.
- رباط جزئی، مهری؛ جعفری، آسیه و قره داغی، جابر (۱۳۹۶). بکارت و معاینه بکارت از دیدگاه پزشکی، فقهی و حقوقی. تهران: مرکز تحقیقات پزشکی قانونی.
- رفیعی هنر، حمید و بیات، علی (۱۳۹۷). «بررسی فقهی پنهان کاری و اظهار خلاف اسرار پیشازدواج در فرایند خواستگاری». دوفصلنامه علمی فقه و حقوق خانواده، ۲۳(۶۹). ص ۷۸-۵۳.

- رملی، شمس‌الدین (۱۴۰۴ق). *نهایه المحتاج*. بیروت: دار الفکر.
- زبیدی، محمد بن محمد (بی‌تا). *تاج العروس من جواهر القاموس*. بیروت: دار الهدایه.
- زرقا، احمد بن محمد (بی‌تا). *شرح القواعد الفقهیه*. دمشق: دار القلم.
- زرکشی، محمد (۱۴۰۵ق). *المشور فی القواعد*. کویت: وزاره الاوقاف و الشئون الاسلامیه.
- زیدان، عبدالکریم (۱۴۱۹ق). *الوجیز فی اصول الفقه*. تهران: دار احسان.
- سرخسی، ابوبکر محمد (۱۴۲۱ق). *المبسوط*. بیروت: دار الفکر.
- سیوطی، عبدالرحمن (۱۴۰۳ق). *الاشباه و النظائر*. بیروت: دار الکتب العلمیه.
- شافعی، محمد بن ادريس (۱۳۹۳ق). *الام*. بیروت: دار المعرفه.
- شربینی، محمد (۱۴۱۵ق). *الافتاح فی حل الفاظ ابی شجاع*. بیروت: دار الفکر.
- _____ (بی‌تا). *معنی المحتاج*. بیروت: دار الفکر.
- شنیطی، محمد مختار (۱۴۱۵ق). *احکام الجراحه الطبیه و الآثار المترتبه علیها*. جدّه: مکتبه الصحابه.
- صاوی، احمد بن محمد (بی‌تا). *حاشیه الصاوی علی شرح الصغیر - بلغه السالک لاقرب المسالک*. بیروت: دار المعارف.
- صنعانی، عبدالرزاق (۱۴۰۳ق). *مصنف عبدالرزاق*. بیروت: مکتبه الاسلامی.
- طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد (۱۴۱۵ق). *معجم الاوسط*. قاهره: دار الحرمین.
- طبری، محمد بن جریر (۱۴۲۰ق). *جامع البیان فی تأویل القرآن*. بیروت: مؤسسه الرساله.
- عدوی، علی الصعیدی (۱۴۱۲ق). *حاشیه العدوی علی شرح کفایه الطالب الربانی*. بیروت: دار الفکر.
- عفانه، حسام‌الدین بن موسی محمد (۱۴۲۷-۱۴۳۰ق). *فتاویٰ یسنلونک*. مکتبه دندیس: المکتبه العلمیه و دار الطیب.
- غزالی، ابوحامد محمد (بی‌تا). *احیاء علوم الدین*. بیروت: دار المعرفه.
- فاسی، محمد بن احمد (۱۴۲۰ق). *شرح میاره*. لبنان: دار الکتب العلمیه.
- فخر رازی، ابو عبدالله محمد (بی‌تا). *تفسیر فخر رازی*. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- فراهیدی، خلیل (بی‌تا). *کتاب العین*. بیروت: دار و مکتبه الهلال.
- فرید واصل، نصر (۱۴۰۰). فتوا. بازدید از سایت در تاریخ آذر ماه ۱۴۰۰. مندرج در سایت: www.jamila-qatar.comtj
- فیومی، احمد (بی‌تا). *مصباح المنیر*. بیروت: مکتبه العلمیه.
- *قرارات و توصیات مجمع الفقه الاسلامی التابع لمنظمه المؤتمر الإسلامی (بی‌تا)*. جدّه: مجمع البحوث الاسلامیه.
- قرطبی، شمس‌الدین (۱۴۲۳ق). *جامع لاحکام القرآن*. ریاض: دار عالم الکتب.

- کاسانی، علاءالدین (۱۹۸۲م). *بدائع الصنائع فی ترتیب الشرائع*. بیروت: دار الکتب العربی.
- گلزار، شقایق (۱۳۹۸). «ترمیم بکارت: مصلحت یا مفسده». *فصلنامه حقوق پزشکی*. ۱۳(۵۰). ص ۱۵۵-۱۶۷.
- گودرزی، فرامرز و کیانی، مهرزاد (۱۳۸۷). *پزشکی قانونی برای دانشجویان رشته حقوق*، تهران: سمت.
- ماوردی، علی بن محمد (۱۴۱۴ق). *الحاوی فی فقه الشافعی*. لبنان: دار الکتب العلمیه.
- محسنی، محمد آصف (بی تا). *الفقه والمسائل الطبییه*. تبریز: انتشارات یاران.
- محمد مغازی محمود، امیره (بی تا). *احکام الرتق من منظور اسلامی*. اسکندریه: کلیه الدراسات الاسلامیه والعربیة للبنات.
- مسلم نیشابوری، ابی الحسن مسلم. (۱۴۴۰ق). *صحیح مسلم*. ایران: اولوالباب.
- مطرزی، ناصرالدین (۱۹۷۹م). *المغرب فی ترتیب المعرب*. حلب: مکتبه اسامه بن زید.
- معلوف، لويس (۱۳۸۶ش). *المنجد فی اللغة و الاعلام*. (ترجمه: محمد بندر ریگی). تهران: انتشارات ایران.
- ممدوح سعد، احمد (۱۴۳۰ق). «رتق غشاء البکاره». *مجله دار الافتاء المصریه*. عدد الاول.
- میرزاده اهری، مرتضی (۱۳۹۵). *ترمیم بکارت از منظر فقه و حقوق*. قم: مرکز فقهی ائمه اطهار (ع)، چاپ اول.
- نجار، عبدالله مبروک (۱۴۳۰ق). *حکم الشرعی لجراحه اصلاح غشاء البکاره*. مؤتمر مجمع البحوث الاسلامیه. *مجله مجمع الفقه الاسلامی*. مجمع البحوث الاسلامی: مصر. العدد ۱۳. ص ۱-۴.
- نظری توکلی، سعید و جوانمرد فرخانی، ابراهیم (۱۳۹۴). «امکان استناد به قاعده حرمت تعاون بر اثم در اثبات عدم مشروعیت بکرنامی». *فصلنامه فقه پزشکی*. ۴(۲۵-۲۴)، ص ۱۹۹-۲۲۱.
- نفرأوی، احمد بن غنیم (بی تا). *فواکه الدوانی علی رساله ابن ابی زید القيروانی*. قاهره: مکتبه الثقافه الدینییه.
- نووی، محی الدین یحیی بن شرف. (۱۴۰۵ق). *روضه الطالبین و عمده المفتین*. بیروت: مکتب الاسلامی.
- _____ (بی تا). *المجموع شرح المهدب*. بیروت: دار الفکر.
- یاسین، محمدنعیم (۱۴۰۸ق). «عملیه الرتق العذری فی میزان المقاصد الشرعیه». *مجله الشریعه و الدراسات الاسلامیه*، (۱۰)، ص ۸۳-۱۲۴.